

بازخوانی شخصیت یزید بن حصین

[تاریخ دریافت ۱۳۹۷/۱۲/۶؛ تاریخ پذیرش ۱۳۹۸/۲/۷]

* ابراهیم صالحی حاجی آبادی

** رضا رمضان

*** محمدعلی صالحی حاجی آبادی

چکیده

در تاریخ تشیع نام برخی از افراد در شمار شیعیان و اصحاب ائمه ضبط شده است؛ اما وقتی ادله و منابعی که این قبیل اسامی را ضبط کرده‌اند، بررسی می‌شوند، خلاف آن مدعا ثابت می‌شود. در بسیاری از کتاب‌ها نام یزید بن حصین به عنوان یکی از شیعیان امام حسین (ع) و به عنوان شهید کربلا ضبط شده است، حال آنکه وقتی مستندات که برای اثبات شهادت یزید اقامه شده است، نقد و ریشه‌یابی تاریخی می‌شوند، نه تنها نمی‌توان نام وی را در شمار شهدای نینوا دانست، بلکه به تصریح تاریخ کهن و معتبر، یزید یکی از دشمنان امام حسین (ع) بود که بعد از عاشورا و در قیام تواین سلیمان بن سرد را به شهادت رساند و زمان عمر بن عبدالعزیز خلیفه اموی را درک کرد؛ از همین روی لازم است برای شناخت شیعیان واقعی، طبق اصول و قواعد پژوهشی در تاریخ، منابع و مستندات بازکاوی شوند.

کلیدواژه‌ها: شهدای کربلا، یزید بن حصین، شهادت، نقد و ارزیابی ادله.

* دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه باقرالعلوم قم (نویسنده مسئول) salehi.ebrahim114@gmail.com

** استادیار گروه معارف دانشگاه آیت الله بروجردی ramazanireza19@yahoo.com

*** دانشجوی کارشناسی ارشد ادیان غیر ابراهیمی دانشگاه ادیان و مذاهب salehiofficial@outlook.com

مقدمه

شناخت هویت شهدای کربلا و تشخیص شهدا از غیر شهدا امری لازم و ضروری است. در بسیاری از کتاب‌ها نام یزید بن حصین به عنوان شهید کربلا ضبط شده است. قائلان به این مطلب برای اثبات مدعای خود سه دلیل اقامه کرده‌اند؛ اما با توجه به اصول و قواعد پژوهش در تاریخ، هر سه دلیلی که برای شهادت یزید بیان شده مخدوش است و قابل اعتماد نیست. افزون بر آنکه در کتاب‌های کهن تاریخی تصریح شده است یزید بن حصین چند سال بعد از عاشورا در قید حیات بود و به جنگ توابعین رفت. یزید عمری طولانی داشت و در سال ۱۰۳ هجری قمری از دنیا رفت؛ از همین روی نمی‌توان نام وی را در شمار شهدای کربلا ضبط کرد.

مستندات شهادت یزید

بیان و نقد دلیل اول: طلب آب

یزید از اصحاب امام حسین (ع) بود (طوسی، ۱۳۸۱: ۱۰۳؛ تفرشی، ۱۴۱۸: ۵/۸۹) که با اذن امام نزد ابن سعد رفت تا دلیل بستن آب به روی خیمه‌های حرم را جویا شود (قمی، ۱۴۰۵: ۲۱۷ و ۲۱۸؛ موسوعة کلمات الإمام الحسین، ۱۴۱۵: ۴۲۶؛ سنگری، ۱۳۸۸: ۱/۶۶۱).

برخی چون فتال نیشابوری (۵۰۸ق)، ابن طلحه شافعی (۶۵۲ق)، ابن ابی‌الفتح (۶۹۳ق) و ابن صباغ (۸۵۵ق) مطلب را این‌گونه نقل کرده‌اند: «یزید بن حصین بعد از کسب اجازه از امام نزد ابن سعد رفت. وی بدون سلام بر او وارد شد و گفت: چرا حسین (ع) را از آب منع کرده‌ای، در حالی که حیواناتی چون خنازیر و سگ‌ها از آب استفاده می‌کنند...» (فتال نیشابوری، بی‌تا: ۱۸۵؛ شافعی، بی‌تا/ ۴۰۱؛ اربلی، ۱۳۸۱: ۲/۴۶ و ۴۷؛ ابن صباغ، ۱۴۲۲: ۲/۸۲۱، به اختصار بیان کرده است). با توجه به منابع بالا یزید بن حصین جزو اصحاب امام حسین (ع) بود و در کربلا حضور داشت و برای طلب آب نزد ابن سعد رفت؛ اما ظاهراً نمی‌توان به این

مدعا اعتماد کرد. زیرا اولاً در این کتاب‌ها سخن از شهادت یزید نیست و بر فرض قبول این گزارش، تنها می‌توان نام وی را در شمار اصحاب سیدالشهداء (ع) ضبط کرد نه بیشتر.

ثانیاً نویسندگان بالا تصریح کرده‌اند: یزید بن حصین برای طلب آب نزد ابن سعد رفت. در مقابل، دسته‌ای دیگر که متقدم از این نویسندگان اند همانند ابن اعثم (۳۱۴ق)، شیخ صدوق (۳۸۱ق) و خوارزمی (۵۶۸ق) تصریح کرده‌اند: کسی که برای اعتراض به اینکه چرا آب را بر امام حسین (ع) بسته‌اید، نزد ابن سعد رفت، بریر بود، نه یزید بن حصین (ابن اعثم، ۱۴۱: ۵ / ۹۶. صدوق، ۱۴۱۷: ۲۲۲؛ خوارزمی، ۱۴۱۸: ۱ / ۳۵۱؛ ر.ک: صالحی حاجی آبادی، ۱۳۹۷: ۱۸۵).

طبیعتاً در چنین موارد متفاوت، آن گزارشی که به زمان حادثه نزدیک‌تر است - البته با در نظر گرفتن دیگر قواعد پژوهشی - (ر.ک: صالحی حاجی آبادی، ۱۳۸۷: ۵۱-۸۱). ترجیح دارد؛ بنابراین گزارش ابن اعثم و شیخ صدوق بر گزارش فتال در قرن ششم ارجح است؛ هرچند این گزارش ابن اعثم و دیگران نیز قابل تردید است؛ زیرا بزرگان دیگری چون ابومخنف (۱۵۷ق)، طبری (۳۱۰ق)، شیخ مفید (۴۱۳ق)، طبرسی (۵۴۸ق) ابن نما (۶۴۵ق)، ابن حاتم (۶۶۴ق) و ابن کثیر (۷۷۴ق) این مطلب را از زبان حر بن یزید نقل کرده‌اند (ر.ک: ابومخنف، ۱۳۶۴: ۱۲۲؛ طبری، ۱۳۵۸: ۴ / ۳۲۶؛ مفید، ۱۴۱۳: ۲ / ۱۰۱؛ ابن حاتم، بی‌تا: ۵۵۴؛ ابن نما، ۱۳۶۹: ۴۴؛ ابن کثیر، ۱۴۰۸: ۸ / ۱۹۵؛ طبرسی، بی‌تا: ۲۴۳).

بیان و نقد دلیل دوم: شوخی در شب عاشورا

دومین دلیلی که برای اثبات شهادت یزید بن حصین به آن استناد کرده‌اند: شوخی کردن او در کربلا است. وقتی جنگ قطعی شد، حبیب بن مظاهر در حالی که می‌خندید، نزد اصحاب امام رفت. در این هنگام یزید بن حصین به حبیب اعتراض کرد و گفت: اکنون چه زمان خندیدن است؟ حبیب پاسخ داد: کدام جایگاه از این به شادمانی شایسته‌تر است؟ به خدا سوگند طولی نمی‌کشد این ستمکاران

با شمشیرهایشان ما را کشته، آن‌گاه حورالعین را در آغوش می‌گیریم (مجلسی، ۱۳۹۸: ۴۵ / ۹۳؛ مامقانی، ۱۳۵۲: ۱ / ۲۵۲، جزء دوم؛ خوئی، ۱۹۷۳: ۴ / ۲۲۹؛ اردبیلی، بی تا: ۱ / ۱۷۸؛ آقاتهرانی، ۱۳۸۶: ۱۶۸؛ بهشتی، ۱۳۸۷: ۶۰).

اما این مدعا مخدوش است؛ زیرا این مطلب برای اولین بار در رجال کشی آن هم به گونه‌ای دیگر نقل شده است. شیخ طوسی (۴۶۰ق) این‌گونه گزارش کرده است: «شب عاشورا حبیب بن مظاهر اسدی شوخی کرد. یزید بن خضیر همدانی که به او سیدالقرء می‌گفتند، اعتراض کرد و گفت: ای برادر! اینجا جای شوخی کردن نیست؛ حبیب پاسخ داد: چه موضعی بهتر از اینجا برای شوخی کردن...». سپس شیخ طوسی گوید: کشی این مطلب را از کتاب مفاخر کوفه و بصره استخراج کرده است (طوسی، ۱۴۰۴: ۱ / ۲۹۳).

همان‌گونه که گذشت در رجال کشی، نام یزید بن حصین ضبط نشده است، بلکه شیخ طوسی با استناد به قول کشی، به نقل از کتاب مفاخر الکوفه و البصره مطلب بالا را برای یزید بن خضیر همدانی گزارش کرده، نه برای یزید بن حصین همدانی. نکته قابل تأمل دیگر این است که در کتاب‌های کهن، بریر بن خضیر به عنوان سیدالقرء شهرت یافته است، نه یزید بن خضیر (ر.ک: ابومخنف، ۱۳۶۴: ۱۲۸ و ۱۲۹؛ طبری، ۱۳۵۸: ۴ / ۳۲۸ و ۳۲۹؛ ابن‌اثیر، ۱۳۹۹: ۴ / ۶۶ و ۶۷).

نکته‌ی قابل تأمل اینکه مرحوم مجلسی ضمن بیان همان مطلب رجال کشی، به جای نام یزید بن خضیر، نام یزید بن حصین را ضبط کرده است (مجلسی، ۱۳۹۸: ۴۵ / ۹۳) و به احتمال قوی نویسندگان معاصر بدون مراجعه به رجال کشی، با استناد به بحار الانوار مطلب یادشده را مستقیماً به کشی نسبت داده‌اند، حال آنکه نوع ضبط در رجال کشی متفاوت است.

مطلب دیگر اینکه هرچند شیخ طوسی این مطلب را از کتاب مفاخر کوفه نقل کرده، این روایت همان‌گونه که آیت‌الله خوئی نیز بیان کرده است، اعتباری ندارد (خوئی، ۱۹۷۳: ۴ / ۲۲۹). افزون بر این، بزرگانی همانند ابومخنف (۱۵۷ق)، طبری (۳۱۰ق) و ابن‌اثیر (۶۳۰ق) گزارش شوخی در شب عاشورا را برای بریر بن خضیر

همدانی و عبدالرحمن بن عبدربه ذکر کرده‌اند، نه برای افراد دیگری (ابومخنف، ۱۳۶۴: ۱۱۵؛ طبری، ۱۳۵۸: ۳۲۱/۴؛ ابن‌نما، ۱۳۶۹: ۳۹؛ ابن‌اثیر، ۱۳۹۹: ۶۰/۴).

محقق تستری نیز ضمن بیان مزاح یزید بن حصین با حبیب تصریح دارد: در اصل رجال کشی نام بریر بن خضیر ضبط شده و نسخه محرف در اختیار شیخ طوسی بوده است (تستری، ۱۴۲۸: ۲/۲۹۳). با توجه به آنچه بیان شد، به دست آمد که این دلیل نیز مخدوش و فاقد اعتبار است.

بیان و نقد دلیل سوم: زیارت ناحیه

سومین دلیل برای اثبات شهادت یزید بن حصین، سلامی است که در زیارت ناحیه به او داده شده است. برخی با این استدلال که چون امام زمان (عج) در زیارت ناحیه به وی سلام داده (مامقانی، ۱۳۵۲: ۳/۳۲۵، جزء دوم؛ مامقانی، ۱۳۶۰: ۱۷۶؛ سنگری، ۱۳۸۸: ۱/۶۶۲) او را یکی از شهدای کربلا برشمردند (خوئی، ۱۹۷۳: ۲۰/۱۱۰؛ نمازی، ۱۴۱۵: ۸/۲۵۰؛ طائی، ۱۴۳۱: ۲۲۵؛ دشتی، ۱۳۷۹: ۶/۵۸۴؛ نگاهی نو به جریان عاشورا، ۱۳۸۸: ۴۸۴؛ شمس‌الدین، ۱۴۲۹: ۱۲۹).

اما این دلیل همانند دو دلیل قبل مخدوش است؛ زیرا در نقل مشهدی از زیارت ناحیه، بر «یزید بن حصین همدانی» (مشهدی، ۱۴۱۹: ۴۹۳) و در نقل ابن طاووس بر «یزید بن حصین همدانی» سلام فرستاده شده است (ابن طاووس، ۱۴۱۶: ۳/۷۷). در اینجا باید پرسید کدام نقل صحیح و ارجح است؟ نام وی یزید است یا زید؟ و بر فرض ترجیح دادن متن ابن طاووس، آیا می‌توان با استناد به این گزارش، شهادت یزید را به اثبات رساند؟ برای اثبات یا رد این مدعا باید زیارت ناحیه را از جهت سند، کاربرد لفظ ناحیه و محتوا بررسی کرد.

جهت اول: اعتبار سندی و کاربرد لفظ ناحیه

سند این زیارت چنین است: ابو عبدالله محمد بن احمد بن عیاش از شیخ صالح ابومیسور بن عبدالمنعم بن النعمان المعادی (در نقل ابن طاووس نامش «ابومنصور بن عبدالمنعم بن نعمان بغدادی» ضبط شده است: ابن طاووس، ۱۴۱۶: ۳/۷۳)

گوید: در سال ۲۵۲ به دست شیخ محمد بن غالب اصفهانی این زیارت از ناحیه برای من خارج شد (مشهدی، ۱۴۱۹: ۴۸۶؛ ابن طاووس، ۱۴۱۶: ۳ / ۷۳). محمد بن احمد، ابومنصور بن عبدالمنعم و محمد بن غالب اصفهانی که در سند این زیارت اند همگی مجهول اند (نمازی، ۱۴۱۵: ۶ / ۴۳۳ و ۷ / ۲۷۹)؛ پس سند این زیارت بسیار ضعیف و غیر قابل اعتماد است (ر.ک: خوئی، ۱۹۷۳: ۴ / ۳۳ و ۸ / ۳۲ و ۷۴؛ شمس الدین، ۱۴۲۹: ۲۰۵-۲۰۹؛ طائی، ۱۴۳۱: ۳۲۹-۳۳۷).

همچنین مشهدی (۶۱۰ق) و ابن طاووس (۶۶۴ق) در سند بالات تصریح کرده اند: «این زیارت در سال ۲۵۲ قمری از ناحیه خارج شد». حال آیا می توان این گونه استنباط کرد که چون لفظ «ناحیه» در این سند وجود دارد، امام زمان (عج) آن را بیان کرده و بر افرادی همچون یزید بن حصین به عنوان شهید کربلا سلام فرستاده است؟ (مامقانی، ۱۳۵۲: ۱ / ۴۵۲ و ۴۵۳ و ۳ / ۲۱۴ و ۳۲۵، جزء دوم؛ دائرة المعارف تشیع، ۱۳۹۱: ۲ / ۱۶۱؛ نمازی، ۱۴۱۵: ۸ / ۲۴۷؛ محدثی، ۱۳۷۴: ۲۱۰، ۲۹۷ و ۳۵۰؛ سنگری، ۱۳۸۸: ۱ / ۱۱۹، ۴۳۸ و ۴۵۴ و ...).

ظاهراً این برداشتی نادرست است؛ زیرا در هر دو نقل تصریح شده است: «این زیارت در سال ۲۵۲ قمری از ناحیه خارج شد»، حال آنکه امام زمان (عج) نزدیک چهار سال بعد از تاریخ خروج این زیارت، به دنیا آمد (کلینی، ۱۳۹۱: ۱ / ۵۱۴؛ مفید، ۱۴۱۳: ۲ / ۳۳۹؛ همو، ۱۴۱۴: ۳۱۸؛ طوسی، ۱۴۱۱: ۲۳۸).

شاید برخی همچون مجلسی به اشکال تاریخی زیارت ناحیه توجه داشته و در توجیه آن بیان کنند: «و اعلم ان فی تاریخ الخبر اشکالا لتقدمها علی ولادة القائم علیه السلام بربع سنین لعلها کانت اثنتین و ستین و ماتین: بدان در تاریخ این خبر (زیارت ناحیه) اشکال است؛ زیرا تاریخ آن چهار سال زودتر از تولد امام زمان است؛ شاید تاریخش ۲۶۲ هجری باشد» (مجلسی، ۱۳۹۸: ۹۸ / ۲۷۴). در این صورت تاریخ زیارت ناحیه بعد از ولادت امام زمان (عج) خواهد بود.

احتمال دیگری که مجلسی و دیگران مطرح کرده اند این است: شاید این زیارت از طرف امام عسکری (ع) (مجلسی، ۱۳۹۸: ۹۸ / ۲۷۴؛ ر.ک: آیتی،

۱۳۷۴: ۱۲۳؛ اسماعیلی یزدی، ۱۳۸۵: ۴۱۵، پاورقی؛ تستری، ۱۴۲۸: ۹ / ۵۰۴؛
طهرانی، ۱۳۷۰: ۱ / ۲۴۳؛ محمودی، ۱۳۷۹: ۲۲۵) یا امام هادی (ع) (مهدی پور،
۱۴۲۹: ۱۳۴) یا عسکریین (نمازی، ۱۴۱۵: ۸ / ۴۵۸؛ صالحی نجف آبادی،
۱۳۸۶: ۳۹۴) یا امام معصوم صادر شده است (طبسی و مولایی، ۱۴۲۸:
۴ / ۳۰۱ و ۳۰۸؛ طائی، ۱۴۳۱: ۱۹۹ و ۲۰۶؛ شاکر و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۵۷ و
۱۷۸). در نتیجه چون این زیارت از ناحیه امام معصوم خارج شده و در آن
بر یزید بن حصین سلام فرستاده شده، پس وی یکی از شهدای کربلا است.
اما این توجیحات نارسا است؛ زیرا اینکه گفته اند «شاید مراد از ۲۵۲ همان
سال ۲۶۲ باشد»، صرف احتمال و بدون دلیل یا مؤید تاریخی است و در نقض آن
همین بس که ممکن است، مراد سال ۲۲۵ باشد یا نه ۲۳۴! آیا مجلسی دلیل یا
مؤیدی برای انتخاب سال ۲۶۲ دارد؟

توجیه دوم نیز قابل تأمل است و به سبب تاریخ ۲۵۲ نمی توان مراد از ناحیه را
ناحیه عسکریین دانست؛ چراکه از منظر شیعه لفظ ناحیه و کاربرد آن مختص
به امام زمان (عج) است (طائی، ۱۴۳۱: ۳۳۶) و در مورد دیگر ائمه خصوصاً
عسکریین این مطلب که «لفظ ناحیه به طور مطلق به کاربرد و منظور از آن ناحیه
امام حسن عسکری یا امام هادی باشد» نادرست است.

شاید گفته شود: برخی از فقهاء روایت «احذرو الصوفی المتصنع» را از ناحیه
مقدسه که همان ناحیه عسکری باشد نقل کرده اند (بروجردی، ۱۴۱۶: ۱ / ۱۳۵ و
۲۵۸؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۰: ۱ / ۳۱۶؛ همو، ۱۴۲۳: ۱ / ۶۷۲)؛ اما این مدعا مخدوش
است؛ زیرا اولاً منبع کتاب های یادشده در نقل این روایت، رجال کشی است و در
این کتاب از لفظ ناحیه استفاده نشده است. رجال کشی روایت را این گونه نقل
کرده است: «... و کان ابتداء ذلک ان کتب (ع) إلی قومه بالعراق: احذروا الصوفی
المتصنع» (طوسی، ۱۴۰۴: ۲ / ۸۱۶). حال مشخص نیست واژه «ناحیه» چگونه و
از کجا به دست معاصران به سند این زیارت اضافه شده است؟!

ثانیاً بر فرض که در نسخه ای از رجال کشی لفظ «ناحیه» در مورد امام عسکری

استفاده شده باشد؛ اما در همین کتاب‌ها تصریح شده است: «ورد علیه التوقيع من ناحیه العسکری» (بروجردی، ۱۴۱۶: ۱/ ۲۵۸؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۰: ۱/ ۳۱۶ و ۳۷۸) و لفظ «عسکری» در این کتاب‌ها گویای آن است که مراد از ناحیه همان ناحیه عسکری است نه امام زمان (عج).

ثالثاً در همین کتاب‌ها تصریح به ضعف این روایت شده است و اعتباری ندارد (بروجردی، ۱۴۱۶: ۱/ ۲۵۸؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۰: ۱/ ۳۱۶ و ۳۷۸).

رابعاً با سیر اجمالی که در روایات امام حسن عسکری (ع) صورت گرفت، روایتی یافت نشد که در آن در مورد احادیث یا توقیعات آن حضرت لفظ ناحیه به کار رفته باشد، بلکه احادیث و نامه‌های آن حضرت صراحتاً به خود آن حضرت نسبت داده می‌شد. برای اثبات این مدعا چند نمونه ذکر می‌شود.

روایت اول: ابن طاووس برای ورود به مسجد دعایی را این‌گونه نقل می‌کند: «حدثنا رجاء بن یحیی بن سامان العبرثائی الکاتب قال: هذا مما خرج من دار سیدنا ابي محمد الحسن بن علی - صاحب العسکر الآخر - فی سنة خمس و خمسين و مائتين» (ابن طاووس، بی‌تا: ۲۲۵؛ ر.ک: نوری، ۱۴۰۸: ۳/ ۳۹۰؛ معزی ملایری، ۱۴۱۲: ۴/ ۴۷۴).

روایت دوم: ابن طاووس در جای دیگر، هنگام بیان دعای میان نوافل ماه رمضان تصریح می‌کند: «رجاء بن یحیی بن سامان، قال: خرج إلینا من دار سیدنا ابي محمد الحسن بن علی صاحب العسکر سنة خمس و خمسين و مائتين» (ابن طاووس، ۱۴۱۶: ۱/ ۸۰؛ مجلسی، ۱۳۹۸: ۹۴/ ۳۵۸؛ نمازی، ۱۴۱۵: ۳/ ۳۵۹).

همان‌گونه که مشاهده می‌شود در این دو مورد تصریح شده است این توقیعات در سال ۲۵۵ قمری «خرج إلینا من دار سیدنا ابي محمد الحسن بن علی (ع)» و حتی از لفظ «ناحیه» استفاده نشده است. حال اگر به سبب تقیه لفظ ناحیه برای امام حسن (ع) به کار برده می‌شد، چرا در سال ۲۵۵ قمری که از لحاظ موقعیت و شرایط زمانه، آن حضرت بیشتر تحت فشار بود، به صراحت توقیعات به نام و خانه آن امام نسبت داده می‌شد؟

در توقیعاتی که برای وکلای امام حسن عسکری (ع) نوشته می شد نیز از لفظ ناحیه استفاده نشده است؛ مثلاً شیخ طوسی راجع به زمان ولادت امام حسین (ع) می نویسد: «خرج إلى القاسم بن العلاء الهمدانی وکیل أبي محمد (ع): أن مولانا الحسين (ع) ولد يوم الخميس لثلاث خلون من شعبان» (طوسی، بی تا: ۷۵۸؛ ابن طاووس، ۱۴۱۶: ۳ / ۳۰۳؛ ر.ک: مجلسی، ۱۳۹۸: ۴۳ / ۲۶۰؛ نوری، ۱۴۰۸: ۷ / ۵۳۸). در برخی از توقیعات دیگر از عبارت «کانت معی نسخة توقيع خرج إلى القاسم بن العلاء» استفاده شده است (شیخ طوسی، ۱۴۱۱: ۲۷۶؛ ابن جریر طبری شیعی، ۱۴۱۳: ۵۴۸؛ ابن طاووس، بی تا: ۴۹۹؛ مجلسی، ۱۳۹۸: ۵۲ / ۱۹)؛ بنابراین تا جایی که بررسی شد و حتی در موسوعه های امام عسکری (ع) و امام هادی (ع) موردی یافت نشد که به طور مطلق لفظ ناحیه به کار رفته باشد و مراد از آن یکی از عسکرین (ع) باشد؛ پس اینکه بسیاری از معاصران با توجه به وجود لفظ «ناحیه» در سند زیارت ناحیه، آن را به امام زمان (عج) نسبت داده اند، گویای این است که تبادر از لفظ «ناحیه» همان ناحیه مقدسه امام زمان (عج) است و تبادر در میان متشرعان شیعه نیز همین است.

جهت دوم: اشکال های محتوایی

در زیارت ناحیه از نظر محتوایی نکات قابل تأملی وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می شود.

نکته اول: در ابتدای هر دو نقل از این زیارت تصریح شده است: «... زمانی که قصد زیارت شهدا را کردی...» (مشهدی، ۱۴۱۹: ۴۸۶ و ۴۸۷؛ ابن طاووس، ۱۴۱۶: ۷۳ / ۷۴). طبیعتاً مراد از لفظ «الشهداء» تمام شهدای کربلا هستند نه برخی از آنها و اساساً فلسفه انشای این زیارت سلام دادن به شهدای کربلا است نه برخی از آنان و لفظ «الشهداء» بر این مطلب صراحت دارد (ابن قدامه، بی تا: ۸ / ۴۰۹). حال اگر این زیارت از امام معصوم (ع) است چرا به برخی از شهدای کربلا همانند انس بن حارث، جابر بن حارث سلمانی، جناده بن حارث، سلیمان مولای حسین،

شوذب مولای شاکر، عمار بن ابی سلامه دالانی، عمر بن خالد صیداوی، عمرو بن ضبیعه، مالک بن عبد سریع، مسلم بن کثیر، یزید بن زیاد بن مهاصرو یزید بن نبیط سلام فرستاده نشده است؟ (ر.ک: صالحی حاجی آبادی، ۱۳۹۷: ذیل اسامی مذکور). نکته دوم: در این زیارت نام برخی از شهدا به گونه ای دیگر ضبط شده است و در تمام موارد مذکور تصحیف معنا ندارد، مثلاً در این زیارت به جای سلام بر سیف بن حارث (ابومخنف، ۱۳۶۴: ۱۵۲؛ ابن سائب کلبی، ۱۴۰۸: ۵۱۱ / ۲؛ بلاذری، بی تا: ۳ / ۴۰۵؛ صالحی حاجی آبادی، ۱۳۹۷: ذیل اسامی مذکور)، بر شیب بن حارث سلام داده شده (مشهدی، ۱۴۱۹: ۴۹۵؛ ابن طاووس، ۱۴۱۶: ۷۳ / ۳) یا به جای ضبط نام مسلم بن کثیر (شیخ طوسی، ۱۳۸۱: ۸۰؛ المرشد بالله، بی تا: جزء اول / ۱۷۳؛ ابن احمد، ۱۴۰۵: ۱۲۲؛ ابن شهر آشوب، بی تا: ۴ / ۱۱۳؛ اردبیلی، بی تا: ۲ / ۲۳۰؛ بروجردی، ۱۴۱۰: ۷۲ / ۲)، نام اسلم بن کثیر ضبط شده (مشهدی، ۱۴۱۹: ۴۹۴؛ ابن طاووس، ۱۴۱۶: ۷۹ / ۳) یا به جای ثبت نام جابر بن حارث سلمانی (ابومخنف، ۱۳۶۴: ۱۵۹؛ طبری، ۱۳۵۸: ۳۴۰ / ۴)، عنوان حیان بن حارث سلمانی ضبط شده است (مشهدی، ۱۴۱۹: ۴۹۴؛ ابن طاووس، ۱۴۱۶: ۷۹ / ۳) یا نام مولای ابوذر جون ضبط شده است (مشهدی، ۱۴۱۹: ۴۹۳؛ ابن طاووس، ۱۴۱۶: ۷۸ / ۳)، در صورتی که حوی مولای ابوذر بود (ر.ک: ابومخنف، ۱۳۶۷: ۲۰۰؛ همو، ۱۳۶۴: ۱۱۰؛ بلاذری، بی تا: ۳ / ۳۹۳؛ طبری، ۱۳۵۸: ۳۱۸ / ۴؛ ابن اثیر، ۱۳۹۹: ۵۸ / ۴؛ نویری، بی تا: ۲۰ / ۴۳۶؛ ابن کثیر، ۱۴۰۸: ۱۹۱ / ۸). هرچند برخی از این موارد قابل حمل بر تصحیف اند، کلیت این مدعا، آن هم با استناد به امام معصوم (ع) قابل دفاع نیست، گرچه ممکن است این اشکال به راوی یا ناسخ بازگردانده شود.

نکته سوم: در زیارت ناحیه برخی موارد با تاریخ معتبر و کتاب های متعدد کهن سازگاری ندارند که به مواردی از آنها اشاره می شود.

مورد یکم: در هر دو نقل از این زیارت نام عمر بن خالد بن اسد جهنی، قاتل عبدالرحمن بن عقیل ضبط شده است (مشهدی، ۱۴۱۹: ۴۹۱؛ ابن طاووس، ۱۴۱۶: ۳ / ۷۶)، حال آنکه عبدالرحمن به دست عثمان بن خالد اسید جهنی به شهادت

رسید (ابومخنف، ۱۳۶۴: ۲۴۰؛ طبری، ۱۳۵۸: ۴ / ۳۵۹؛ مغربی، بی تا: ۳ / ۱۹۵؛ اصفهانی، ۱۹۷۰: ۹۲؛ ابن صباغ، ۱۴۲۲: ۲ / ۸۴۷؛ ابن اثیر، ۱۳۹۹: ۴ / ۹۲؛ ر.ک: مفید، ۱۴۱۳: ۲ / ۱۰۷، لقبش را همدانی ضبط کرده است؛ ابن نما، ۱۳۶۹: ۵۰).

مورد دوم: در نقل ابن طاووس برزید بن ثبیت سلام داده شده، سپس در ادامه بر عبدالله و عبیدالله فرزندان یزید بن ثبیت سلام فرستاده است (ابن طاووس، ۱۴۱۶: ۳ / ۷۸)، حال آنکه زید بن ثبیت در کربلا حضور نداشت، بلکه یزید بن نبیط همراه دو فرزندش عبدالله و عبیدالله از شهدای کربلا بودند (ابومخنف، ۱۳۶۴: ۱۸؛ طبری، ۱۳۵۸: ۴ / ۲۶۳؛ ابن اثیر، ۱۳۹۹: ۴ / ۲۱).

مورد سوم: در کربلا به «بشیر بن عمر حضرمی» (مشهدی، ۱۴۱۹: ۴۹۳) یا «بشر بن عمر حضرمی» (ابن طاووس، ۱۴۱۶: ۳ / ۷۷) خبر دادند فرزندش در سرحدات ری بازداشت شده است؛ سیدالشهدا (ع) به او اذن بازگشت داد تا برای آزادی فرزند خود اقدام کند؛ اما آن فرد گفت: «اکلتنی اذا السباع حیا اذا فارقتک». حال آنکه در منابع کهن آمده است این داستان برای «محمد بن بشیر» اتفاق افتاد و محمد جمله بالا را بیان کرد (ر.ک: ابن سعد، ۱۴۱۵: ۷۱؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۱۴ / ۱۸۲؛ ابن عدیم، ۱۴۰۸: ۶ / ۲۵۹۲؛ ابن نما، ۱۳۶۹: ۳۹؛ ابن طاووس، ۱۴۲۵: ۱۵۳ و ۱۵۴؛ المزی، ۱۴۱۳: ۴ / ۴۰۷)، نه بشیر یا بشر.

مورد چهارم: از جمله فرازهای زیارت ناحیه این است: «السلام علی القتیل بن القتیل: عبدالله بن مسلم بن عقیل و لعن الله قاتله عامر بن صعصعه و قیل: أسد بن مالک» (ابن طاووس، ۱۴۱۶: ۳ / ۷۶). کسانی که برخلاف ظاهر متن هر دو نقل از این زیارت، تلاش می‌کنند آن را به امام معصوم (ع) نسبت دهند، راجع به این مورد چه پاسخی دارند؟ امام معصومی که امروزه به نظر علمای شیعه، عالم به تمام حوادث از جمله واقعه کربلا است، چرا در کلام خود فرمود «قیل: اسد بن مالک»؟ مگر امام معصوم (ع) خبر از آنچه رخ داده بود ندارد، پس قیل و قال در کلام ایشان چه معنایی دارد؟

شاید برخی همانند مرحوم مجلسی بگویند: «قول امام که فرمود: و قیل: أسد

بن مالک، ظاهراً این مورد از اضافات سید در بین خبر است» (مجلسی، ۱۳۹۸: ۹۸ / ۲۷۶). بر فرض قبول این مطلب و استناد آن به ابن طاووس، آیا این توجیه تداعی‌گر آن نیست که - استجیر بالله - بزرگان در روایات دست برده و نتایج و باورهای خود را لابه لای روایات بیان می‌کردند؟ وقتی امام معصوم (ع) - بنابر قول کسانی که قائل‌اند این زیارت از معصوم است - مطلبی را بیان می‌کند، دیگر قیل و قال و دست بردن سید و امثال وی، حتی در حاشیه کلام معصوم - به جز تفسیر و شرح - چه معنایی دارد؟ نکته‌ی قابل تأمل دیگر آنکه در صورتی که قائل شویم عبارت «قیل: اسد بن مالک» را ابن طاووس بیان کرده، همین مطلب به صراحت بیانگر آن است که زیارت مذکور در نظر ابن طاووس از امام معصوم (ع) نیست؛ زیرا شخصیتی چون ابن طاووس هرگز در کلام معصوم تصرف نمی‌کرد. روش او در نقل دعاها نیز همین‌گونه بوده و به بیان متن دعای معصوم اکتفا کرده است؛ نکته مهم‌تر آنکه در کتاب‌های کهن تاریخی و مقاتل، عمرو بن صبیح کسی بود که عبدالله بن مسلم را به شهادت رساند (ابومخنف، ۱۳۶۴: ۲۴۱؛ طبری، ۱۳۵۸: ۴ / ۳۵۹؛ ابن اثیر، ۱۳۹۹: ۴ / ۹۳؛ اصفهانی، ۱۹۷۰: ۹۴؛ مغربی، بی‌تا: ۳ / ۱۹۵؛ ابن صباغ: ۱۴۲۲: ۲ / ۸۴۷؛ طبرسی، بی‌تا: ۲۴۶؛ مشهدی، ۱۴۱۹: ۴۹۱)، نه آن‌گونه که در این زیارت نقل شده عامر بن صعصعه قاتل وی بوده است.

مطلب دیگر اینکه برخی از مورخان ضمن بیان شهادت عبدالله بن مسلم بن عقیل تصریح کرده‌اند: «او را عمرو بن صبیح به شهادت رساند و گفته شده است: اسید بن مالک حضرمی او را شهید کرد» (ابومخنف، ۱۳۶۴: ۲۴۱؛ طبری، ۱۳۵۸: ۴ / ۲۵۹) و ظاهراً در گزارش ابن طاووس، با تکیه بر مقتل الحسین ابومخنف و تاریخ طبری عبارت «قیل: اسد بن مالک» افزوده شده است.

نکته چهارم: از منظر شیعه ائمه اطهار (ع) دارای مقامی والا هستند. حال اگر کسی قاتل شد زیارت ناحیه از طرف امام معصوم (ع) صادر شده، در مورد این مطلب که امام خطاب به سعید بن عبدالله فرمود «حشرنا الله معکم فی المستشهدین و رزقنا مرافقتکم فی اعلیٰ علیین» چه توجیحی دارند؟ (مشهدی، ۱۴۱۹: ۴۲۹؛

ابن طاووس، ۱۴۱۶: ۳ / ۷۷). چگونه امام که در اوج معرفت است از خداوند درخواست هم‌نشینی با سعید را دارد؟ ادعای تعلیم دعا بودن این‌گونه موارد نیز مقبول نیست. چگونه می‌توان حقیقت فعل و گفتار ائمه را از جمله دعای مذکور یا از هوش رفتن حضرت علی (ع) یا گریه‌های امام سجاد (ع) را حمل بر تعلیم دعا کرد؟ وانگهی حال که بناست به صرف وجود لفظ ناحیه، زیارتی را به امام (ع) نسبت داد، سپس با این پیش‌فرض گفت «غرض امام از فراز مذکور، تعلیم دادن به شیعیان است»، در این صورت چرا امام این‌گونه شیعیان را تعلیم نداد که در دعا کردن اوج قله معرفت و کمال را در نظر گیرند؟ شکی نیست سعید بن عبدالله دارای مقامی عالی است؛ اما امام هنگامی که می‌خواهد شیعیان را تعلیم دهد، چرا نفرمود: از خدا بخواهید در اعلیٰ علین با امام حسین (ع) یا حضرت عباس (ع) هم‌نشین باشید؟ زیرا انسان کمال طلب است و طلب کردن درجات بالاتر باید مد نظر باشد. نکته پنجم: در سند هر دو کتاب مشهدی و ابن طاووس عبارت «خرج من الناحیه... الیٰ علی ید الشیخ محمد بن غالب... فکنت استأذن فی زیاره مولای اَبی عبدالله (ع)... فخرج الیٰ منه» آمده است (مشهدی، ۱۴۱۹: ۴۸۶؛ ابن طاووس، ۱۴۱۶: ۳ / ۷۳). با توجه به عبارت «فخرج الیٰ منه» به دست می‌آید ظاهراً این زیارت از انشئات ابن غالب است و عبارت «فکنت استأذن» شاید همان اجازه‌گرفتن در نقل روایت باشد.

در نتیجه نمی‌توان به صرف وجود لفظ ناحیه در سند این زیارت، آن را به امام معصوم (ع) نسبت داد و سپس با استناد به این زیارت نام یزید بن حصین را در شمار شهدای کربلا ضبط کرد.

نکته ششم: در تاریخ تصریح شده است یزید و پدرش حصین هر دو از دشمنان اهل بیت بودند. حصین بن نمیر و خانواده‌اش ساکن شام بودند؛ اما برای مأموریت‌هایی که از سوی بنی‌امیه به آنان محول می‌شد، شام را ترک می‌کردند (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۱۱ / ۲۷). هنگامی که معاویه قصد صفین کرد، حصین بن نمیر که ساکن شام بود، او را همراهی کرد (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۱۴ / ۳۸۲)؛ برخی

از نوادگان حصین نیز در شام حضور داشتند و در سپاه اموی خدمت می‌کردند (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۵۹ / ۲۹۶)؛ هرچند برخی دیگر از نوادگان حصین همانند معاویه بن یزید بن حصین بن نمیر والی حمص بودند و در آنجا سکونت گزیدند (بلاذری، بی تا: ۹ / ۲۶۵؛ ابن کثیر، ۱۴۰۸: ۱۰ / ۲۵؛ ابن عدیم، ۱۴۰۸: ۶ / ۲۸۹۱).

حصین و خانواده اش از دشمنان اهل بیت (ع) بودند. در قیام امام حسین (ع) حصین از طرف عبیدالله فرماندهی بنی تمیم را بر عهده داشت و مأمور شد تا مسلم بن عقیل را بازداشت کند (دینوری، ۱۹۶۰: ۲۴۰؛ شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۲ / ۵۷). قیس بن مسهر در ورودی کوفه به دست حصین بازداشت و نزد عبیدالله فرستاده شد (دینوری، ۱۹۶۰: ۲۴۶). حصین در خلافت یزید و در واقعه حرّه جانشین مسلم بن عقبه شد و مکه را محاصره کرد (ر.ک: طبری، ۱۳۵۸: ۴ / ۳۷۲، ۳۸۰ و ۳۸۱؛ ابی الفداء، بی تا: ۱ / ۱۰۳؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۶ / ۱۳؛ ابن خلکان: ۱۳۶۴: ۶ / ۲۷۶؛ ابن حجر، ۱۴۱۵: ۱ / ۲۲۴؛ همو، ۱۴۰۴: ۲ / ۳۳۸) و کعبه را با منجنیق ویران ساخت (ابن حجر، بی تا: ۸ / ۲۴۵؛ ر.ک: بلاذری، بی تا: ۵ / ۳۳۴؛ ذهبی، ۱۴۲۹: ۳ / ۹۴) و گفته شده است: حصین کعبه را به آتش کشید (المزی، ۱۴۱۳: ۶ / ۵۴۸). بعد از مرگ یزید بن معاویه، حصین بن نمیر، مروان بن حکم را برای بیعت فرا خواند (حاکم نیشابوری، بی تا: ۳ / ۵۵۱؛ هیثمی، ۱۴۰۸: ۷ / ۲۵۳).

حصین در قیام توابین عبیدالله را همراهی کرد (بلاذری، بی تا: ۶ / ۳۷۰) و در آغاز سال ۶۷ قمری همراه عبیدالله به سوی عراق حرکت کرد تا با مختار بجنگد (ذهبی، ۱۴۲۹: ۳ / ۵۴۸). سرانجام حصین در درگیری با ابراهیم بن مالک اشتر کشته شد (یعقوبی، بی تا: ۲ / ۲۵۹). مختار نیز سر ابن زیاد و حصین بن نمیر را از تن جدا کرد و برای محمد بن حنفیه فرستاد (طوسی، بی تا: ۲۴۲).

حصین بن نمیر فرزندی به نام یزید داشت. یزید از معاذ بن جبل، یکی از اصحاب پیامبر اسلام (ص) و حضرت علی (ع) (طوسی، ۱۳۸۱/۲۷ و ۵۹؛ تفرشی، ۱۴۱۸: ۴ / ۳۸۳) روایت نقل کرده است (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۶۵ / ۱۵۵ و ۱۵۶؛ ذهبی، ۱۴۲۲: ۷ / ۲۷۶) و افرادی چون محمد بن زبیر از وی روایت کرده اند (المزی، ۱۴۱۳: ۲۵ /

(۲۱۱). یزید از اشراف عرب (ذهبی، ۱۴۲۲: ۷ / ۲۷۶)، اهل حمص (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۶۵ / ۱۵۸) و از امیران مروان بن حکم و فرزندانش بود (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۶۵ / ۱۵۵ و ۱۵۸؛ ذهبی، ۱۴۲۲: ۷ / ۲۷۶). او به دستور ولید بن عبدالملک با عبدالعزیز بیعت کرد (بلاذری، بی تا: ۸ / ۸۷) و سال‌ها بعد به دستور عمر بن عبدالعزیز والی حمص شد (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۶۵ / ۱۵۵. ابن حجر، ۱۴۱۵: ۶ / ۵۶۰).

یزید بن حصین بعد از اعتراض به ماجرای حکمیت، خطاب به خوارج گفت: شما یکی یکی و مخفیانه از شهر خارج شوید و چون در مدائن جایگاهی ندارید، به طرف پل نهروان رفته، در آن مکان ساکن شوید و به برادرانتان در بصره نامه بنویسید تا به شما ملحق شوند (دینوری، ۱۹۶۰: ۲۰۴). یزید در جنگ نهروان فرماندهی میمنه لشکر خوارج را بر عهده داشت (دینوری، ۱۹۶۰: ۲۱۰).

یزید بن حصین در سرکوب قیام توابین نقش موثری داشت. بزرگانی از مورخان گزارش کرده‌اند: در جنگ توابین سلیمان بن صرد که ۹۳ سال سن داشت (طبری، ۱۳۵۸ ب: ۲۶-۲۷؛ خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ۱ / ۲۱۶؛ المزی، ۱۴۱۳: ۱۱ / ۴۵۶؛ ابن حجر، ۱۴۲۶: ۳ / ۱۴۵؛ همو، ۱۴۰۴: ۴ / ۱۷۵)، به دست یزید بن حصین به شهادت رسید (ابومخنف، ۱۳۶۴: ۳۰۲؛ ابن سعد، بی تا: ۴ / ۲۹۳؛ طبری، ۱۳۵۸ الف: ۴ / ۴۶۵؛ طبری، ۱۳۵۸ ب: ۲۶؛ خطیب بغدادی، ۱ / ۲۱۶؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۳: ۲ / ۶۴۹ و ۶۵۰؛ ابن اثیر، ۱۳۹۹: ۴ / ۱۸۳؛ المزی، ۱۴۱۳: ۱۱ / ۴۵۶؛ ابن کثیر، ۱۴۰۸: ۸ / ۲۷۹؛ ابن حجر، ۱۴۲۶: ۳ / ۱۴۵؛ همو، ۱۴۰۴: ۴ / ۱۷۵)؛ یزید بن حصین عمری طولانی داشت و در سال ۱۰۳ قمری از دنیا رفت (ابن حجر، ۱۴۲۶: ۶ / ۵۶۰؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۶۵ / ۱۵۷ و ۱۵۸). یزید در سپاه اموی خدمت می‌کرد و همراه مروان بن حکم به مصر رفت، از همین روی لقب مصری نیز برای او ذکر شده است (ابن حجر: ۱۴۱۵: ۶ / ۵۱۲).

با توجه به آنچه بیان شد به دست آمد که در عصر امام حسین (ع) فردی به نام یزید بن حصین در زمره دشمنان اهل بیت (ع) زندگی می‌کرد.

نکته هفتم: تا جایی که بررسی شد در قرن اول نام چند شخص به نام یزید

بن حصین نمیر ضبط شده است:

فرد اول: شخصی به نام یزید بن حصین سلمی که نامش در شمار صحابه ضبط شده و مستقیماً از پیامبر(ص) روایت نقل کرده است (طبرانی، بی تا، ۲۲ / ۲۴۵؛ هیشمی، ۱۴۰۸: ۷ / ۹۴)؛ هرچند برخی هویت وی را مجهول معرفی کرده‌اند (ابن ابی عاصم، ۱۴۱۳: ۱۴۲). برای این فرد ظاهراً لقب مصری نیز ضبط شده است (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۶۵ / ۱۵۷).

فرد دوم: شخصی به نام یزید بن حصین که القابی چون سکونی (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۲۴ / ۲۷۳)، حمصی (ابن خیاط، بی تا / ۲۵۲؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۶۵ / ۱۵۵)، طائی برای وی ضبط شده است (دینوری، ۱۹۶۰: ۲۰۴) و این فرد همان شخصی است که در این مقاله هویت او بررسی شد.

فرد سوم: در برخی منابع القاب دیگری چون همدانی، مشرقی و قاری برای یزید بن حصین که در کربلا به شهادت رسیده است ذکر شده است (ابن طاووس، ۱۴۱۶: ۳ / ۷۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۵ / ۷۰)؛ اما همان گونه که در مقاله به صورت گذشت منابعی که چنین نامی را در شمار اصحاب امام حسین و شهدای کربلا ضبط کرده‌اند، فاقد اعتبارند و نمی‌توان با استناد به این منابع، نام یزید بن حصین را در شمار شهدای کربلا ذکر کرد و در تاریخ کربلا هیچ شخصی به نام یزید بن حصین در شمار اصحاب امام حسین(ع) ضبط نشده است (ر.ک: صالحی حاجی آبادی، ۱۳۹۷؛ همو، ۱۳۹۸).

نتیجه

با توجه به آنچه گذشت و با در نظر گرفتن اصول و قواعد پژوهشی در تاریخ، همچنین با تأمل در این نکته که در استخراج گزارش‌های تاریخی باید نگاهی نقادانه مد نظر باشد، به دست آمد ادله و مستندات که برای اثبات شهادت یزید بن حصین به آن استناد شده، مخدوش‌اند و نه تنها قابلیت استناد را ندارد، بلکه در تاریخ کهن خلاف مدعای این ادله گزارش شده است. از همین روی نمی‌توان قائل شد یزید بن حصین که تا سال ۱۰۳ هجری در قید حیات بود و در جنگ توابعین

سليمان بن سرد را به شهادت رساند، روز عاشورا به شهادت رسیده باشد، بلکه ادله‌ای که برای اثبات شهادت وی اقامه شده، اعتباری ندارد.

منابع

- ابن ابی عاصم (۱۴۱۳ق)، السنة، بیروت: المکتب الاسلامی، چ ۳.
- ابن اثیر، علی (۱۳۹۹ق)، الکامل فی التاریخ، بیروت: دار صادر.
- ابن احمد، حمید (۱۴۰۵ق)، الحدائق الوردیة فی مناقب ائمة الزیدیه، دمشق: دارالاسلامه، چ ۲.
- ابن اعثم، احمد (۱۴۱۱ق)، الفتوح، تحقیق: علی شیری؛ بیروت: دارالاضواء.
- ابن جریر طبری شیعی، محمد (۱۴۱۳ق)، دلائل الإمامه، تحقیق: قسم الدراسات الاسلامیة، قم: مؤسسه البعثه.
- ابن جوزی، عبدالرحمن (۱۴۱۲ق)، المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک، تحقیق: محمد عبدالقادر و مصطفی عبدالقادر؛ بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن حاتم، یوسف (بی تا)، الدر النظیم، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- ابن حجر، احمد (۱۴۰۴ق)، تهذیب التهذیب، بیروت: دارالفکر.
- ابن حجر، احمد (۱۴۱۵ق)، تقریب التهذیب، تحقیق: مصطفی عبدالقادر، بیروت: دار الکتب العلمیه، چ ۲.
- ابن حجر، احمد (۱۴۲۶ق)، الاصابة فی تمییز الصحابه، تحقیق: عادل احمد و علی محمد، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن حجر، شهاب الدین (بی تا)، فتح الباری شرح صحیح البخاری، بیروت: دارالمعرفه، چ ۱۳.
- ابن خلکان، احمد (۱۳۶۴ش)، وفيات الأعیان و انباء ابناء الرّمان؛ تحقیق: احسان عباس؛ قم: الشریف الرضی.

ابن سائب كلبى، هشام (١٤٠٨ق)، نسب معد و اليمين الكبير، تحقيق: ناجى حسن، بيروت: علم الكتب.

ابن سعد، محمد (١٤١٥ق)، ترجمة الإمام الحسين و مقتله من القسم غير المطبوع من كتاب الطبقات الكبير، تحقيق: عبدالعزيز الطباطبائى، قم: مؤسسة آل البيت.

ابن سعد، محمد (بى تا)، الطبقات الكبير، بيروت: دار صادر.

ابن شهر آشوب، محمد (بى تا)، مناقب آل ابى طالب؛ قم: انتشارات علامة.

ابن صباغ، على (١٤٢٢ق)، الفصول المهمة فى معرفة الأئمة، تحقيق: سامى الغريرى؛ قم: دار الحديث.

ابن طاووس، على (١٤١٦ق)، الاقبال بالأعمال الحسنة، تحقيق: جواد القيومى، قم: مكتب الاعلام الاسلامى.

ابن طاووس، على (١٤٢٥ق)، الملهوف فى قتلى الطفوف؛ تحقيق: فارس تبريزيان «الحسون»؛ تهران: دارالاسوة، ج ٤.

ابن طاووس، على (بى تا)، جمال الاسبوع بكمال العمل المشروع، قم: منشورات الرضى.

ابن عبد البر (١٤١٣ق)، الاستيعاب فى معرفة الأصحاب، تحقيق: على محمد، بيروت: دارالجيل.

ابن عساكر، على (١٤١٥ق)، تاريخ مدينه دمشق، تحقيق: على شيرى، بيروت: دارالفكر. ابن قدامه، عبدالله (بى تا)، المغنى؛ بيروت: دارالكتاب العربى.

ابن كثير، اسماعيل (١٤٠٨ق)، البداية و النهايه، تحقيق: على شيرى، بيروت: داراحياء التراث العربى.

ابن نديم، عمر (١٤٠٨ق)، بغية الطلب فى تاريخ حلب، تحقيق: سهيل زكار، بيروت: مؤسسة البلاغ.

ابن نما حلى، محمد (١٣٦٩ق)، مثير الاحزان، النجف الاشرف: المطبعة الحيدريه.

ابومخنف، لوط (١٣٦٤ش)، مقتل الحسين، تحقيق: حسن غفارى؛ قم: حسن غفارى، ج ٢.

ابومخنف، لوط (۱۳۶۷ش)، وقعة الطف، تحقیق: محمد هادی یوسفی؛ قم: النشر الاسلامی.

ابی الفداء، اسماعیل (بی تا)، المختصر فی اخبار البشر تاریخ ابی الفداء، بیروت: دارالمعرفة. اردلی، علی بن فتح (۱۳۸۱ق)، كشف الغمة فی معرفة الأئمة، تبریز: مكتبة بنی هاشم. اردبیلی، محمد (بی تا)، جامع الرواه، اردبیل: نشر نجفی.

اسماعیلی یزدی، عباس (۱۳۸۵ش)، سحاب رحمت، قم: مسجد جمکران، چ ۷. اصفهانی، ابوالفرج (۱۹۷۰م)، مقاتل الطالبیین، تحقیق: احمد صقر، [بی جا]: اسماعیلیان، چ ۲.

آقاتهرانی، مرتضی (۱۳۸۶)، یاران شیدای حسین بن علی، قم: باقیات، چ ۵. آیتی، محمد ابراهیم (۱۳۴۷ش)، بررسی تاریخ عاشورا، تهران: صدوق. بروجردی، حسین (۱۴۱۶ق)، التقرير بحث السید البرجردی فی القبله، تحقیق: مؤسسة النشر الاسلامی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی.

بروجردی، علی اصغر (۱۴۱۰ق)، طرائف المقال فی معرفة طبقات الرجال، تحقیق: مهدی روحانی، قم: مكتبة آیت الله مرعشی. بلاذری، احمد (بی تا)، جمل من انساب الاشراف، تحقیق: سهیل و ریاض، بیروت: دارالفکر.

بلاذری، احمد بن یحیی (۱۹۵۶م)، فتوح البلدان، تحقیق: صلاح الدین المنجد، القاهرة: مكتبة النهضة المصرية.

بهشتی، ابوالفضل (۱۳۸۷ش)، فلسفه و عوامل جاودانگی نهضت عاشوا، قم: بوستان کتاب، چ ۵.

تستری، محمد تقی (۱۴۲۸ق)، قاموس الرجال، تحقیق: مؤسسة النشر الاسلامی، قم: النشر الاسلامی.

تفرشی، مصطفی (۱۴۱۸ق)، نقد الرجال، تحقیق: مؤسسة آل البيت؛ قم: مؤسسة آل البيت.

حاکم نیشابوری (بی تا)، المستدرک علی الصحیحین، تحقیق: یوسف عبدالرحمن، بیروت: دارالمعرفه.

خطیب بغدادی، احمد (۱۴۱۷ق)، تاریخ بغداد، تحقیق: مصطفی عبدالقادر، بیروت: دارالکتب العلمیه.

خوارزمی، موفق (۱۴۱۸ق)، مقتل الحسین، تحقیق: محمد السماوی؛ قم: انوارالهدی.

خوئی، ابوالقاسم (۱۹۷۳م)، معجم رجال الحدیث، نجف الاشرف: مطبعة الآداب.

دائرة المعارف تشیع (۱۳۹۱ش)، تهران: حکمت، چ ۱.

دشتی، مصطفی (۱۳۷۹ش)، معارف و معاریف، دایرةالمعارف جامع اسلامی، تهران: موسسة فرهنگی آرایه، چ ۳.

دینوری، احمد (۱۹۶۰م)، الاخبار الطوال، تحقیق: عبدالمنعم، قاهره: داراحیاء الکتب العربی.

ذهبی، محمد (۱۴۲۲ق)، تاریخ الاسلام، تحقیق: عمر عبدالسلام، بیروت: دارالکتاب العربی، چ ۳.

ذهبی، محمد (۱۴۲۹ق)، سیر اعلام النبلاء، بیروت: مؤسسة الرساله، چ ۲.

سنگری، محمدرضا (۱۳۸۸ش)، آینه داران آفتاب، محمدرضا سنگری؛ تهران: چاپ و نشر بین الملل، چ ۳.

شافعی، محمد بن طلحه (بی تا)، مطالب السوول فی مناقب آل الرسول، تحقیق: ماجد بن احمد، [بی جا]: [بی نا].

شاکر، ابوالقاسم و دیگران (۱۳۸۸ش)، شهدای کربلا (پژوهشی پیرامون شهدای کربلا)؛ قم: زمزم هدایت، چ ۳.

شمس الدین، محمد مهدی (۱۴۲۹ق)، انصارالحسین، قم: دارالکتاب الاسلامی، چ ۳.

صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۷ق)، الامالی، قم: مؤسسة البعثه.

طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، مصباح المتهجد و سلاح المتعبد، [بی جا]: [بی نا].

- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۱ق)، رجال طوسی، قم: منشورات رضی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق)، اختیار معرفة الرجال (رجال الکشی)، تصحیح: میرداماد، قم: مؤسسة آل البيت.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق)، الغيبة، تحقیق: عبادالله طهرانی و علی احمد، قم: مؤسسة المعارف الاسلامیه.
- طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، الامالی، قم: داوری.
- مفید، محمد (۱۴۱۴ق)، الفصول المختاره، چاپ دوم، تحقیق: نورالدین و یعقوب، بیروت: دارالمفید.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، تحقیق: مؤسسة آل البيت، قم: المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید.
- صالحی حاجی آبادی، ابراهیم (۱۳۸۷ش)، «اصول و قواعد پژوهشی تاریخ (مطالعه موردی واقعه کربلا)»، فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ، ش ۱۰.
- صالحی حاجی آبادی، ابراهیم (۱۳۹۷ش)، شهدای نینوا، تهران: نگاه معاصر.
- صالحی حاجی آبادی، ابراهیم (۱۳۹۸ش)، طعنه رقیب یا خطای تاریخ، تهران: نگاه معاصر.
- صالحی نجف آبادی، نعمت الله (۱۳۸۶)، نگاهی به حماسه حسینی استاد مطهری، تهران: کویر، چ ۵.
- صفدی (۱۴۲۰ق)، الوافی بالوفیات، تحقیق: احمد ارناووط و ترکی مصطفی، بیروت: داراحیاء التراث.
- طائی، نجاج (۱۴۳۱ق)، مقتل الحسین و انصاره، بیروت: دار الهدی.
- طبرانی، سلیمان (بی تا)، المعجم الكبير، تحقیق: حمدی عبدالمجید، بیروت: دار احیا التراث العربی.
- طبرسی، فضل (بی تا)، الاعلام الموری باعلام الهدی، [بی جا]: دارالکتب الاسلامیه، چ ۳.

- طبری، محمد بن جریر (۱۳۵۸ق الف)، تاریخ طبری، قاهره: الإستقامة.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۵۸ق ب)، المنتخب من ذیل المذیل من تاریخ الصحابة والتابعین، بیروت: الاعملی.
- طبسی، محمد و عزت الله مولائی (۱۴۲۸ق)، مع الרכب الحسینی من المدينة إلى المدينة، قم: زمزم هدایت، چ ۳.
- طهرانی، ابوالفضل (۱۳۷۰ش)، شفاء الصدور فی شرح زیارة العاشورا، تحقیق: علی موحد؛ [بی جا]: [بی نا]، چ ۳.
- فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۲۰ق)، نهاية التقرير فی مباحث الصلاة، تحقیق: مرکز فقه الاثمة الاطهار، قم: مرکز فقه الاثمة الاطهار، چ ۳.
- فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۲۳ق)، تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسيلة (کتاب النکاح)، تحقیق: مرکز فقه الاثمة الاطهار، قم: مرکز فقه الاثمة الاطهار.
- فتال نیشابوری، محمد (بی تا)، روضة الواعظین، قم: منشورات الرضى.
- قمی، عباس (۱۴۰۵ق)، نفس المهموم، تحقیق: رضا استادی؛ قم: بصیرتی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۹۱ق)، الکافی، تعلیق: علی اکبر غفاری، [بی جا]: دارالکتب الاسلامیه.
- مامقانی، عبدالله (۱۳۵۲ق)، تنقیح المقال فی علم الرجال، النجف الاشرف: المطبعة المرצועیه.
- مامقانی، یوسفعلی (۱۳۶۰ش)، عطیة الذرة الی ریس الملة، مقاتل الابرار الامة، تهران: [بی نا].
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۹۸ق)، بحار الانوار، طهران: مكتبة الاسلامیه، چ ۳.
- محدثی، جواد (۱۳۷۴ش)، فرهنگ عاشورا، قم: نشر معروف.
- محمودی، محمدباقر (۱۳۷۹ش)، سرشک خوبان در سوگ سالار شهیدان، ترجمه: غلامرضا جمشیدنژاد و عبدالحسین بینش، قم: مرکز تحقیقات اسلامی در سپاه.

المرشد بالله، يحيى (۱۴۰۳ق)، الامالى الخميسية (تسمية من قتل مع الحسين)، بيروت: عالم الكتب، ج ۳.

المزى، جمال الدين (۱۴۱۳ق)، تهذيب الكمال فى اسماء الرجال، تحقيق: بشار عواد، بيروت: الرسالة.

مشهدى، محمد بن جعفر (۱۴۱۹ق)، المزار الكبير، تحقيق: جواد قيومى، قم: مؤسسة النشر الاسلامى.

معزى ملايرى، اسماعيل (۱۴۱۲ق)، جامع الاحاديث الشيعة فى احكام الشريعة، تحت اشراف آيت الله العظمى بروجردى، قم: مؤلف.

مغربى، نعمان بن محمد (بى تا)، شرح الاخبار فى فضائل الائمة الاطهار، تحقيق: محمد حسيني، قم: مؤسسة النشر الاسلامى.

مهدي پور، على اكبر (۱۴۲۹ق)، نبراس الزائر فى زيارة الحائر، قم: مؤسسة الرسالة.

موسوعة كلمات الامام الحسين (۱۴۱۵)؛ تحقيق: معهد تحقيقات باقرالعلوم؛ قم: الهادى.

نگاهى نوبه جريان عاشورا (مجموعه مقالات) (۱۳۸۸ش)؛ قم: بوستان كتاب، ج ۶.

نمازى، على (۱۴۱۵ق)، مستدركات علم رجال الحديث، طهران: ابن مؤلف.

نورى، حسين (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، تحقيق: مؤسسة آل البيت، بيروت: مؤسسة آل البيت، ج ۲.

نويرى، احمد (بى تا)، نهاية الأرب فى فنون الأدب، القاهرة: وزارة الثقافة والإرشاد.

هثيمى، على (۱۴۰۸ق)، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، بيروت: دارالكتب العلميه.

يعقوبى، احمد بن ابى يعقوب (بى تا)، تاريخ يعقوبى، بيروت: دار صادر.

